



آشורתع ازنگاه اویان مذهب  
معانیت پژوهش

# طریقت کمال

قدیسه ترزا آویلایی  
مترجم بخشعلی قنبری

## فهرست مطالب

۱۱	.....	مقدمه
۱۲	.....	زندگی‌نامه
۱۶	.....	آرا و اندیشه‌های عرفانی
۲۱	.....	اقدامات اجتماعی ترزا
۲۲	.....	آثار
۲۶	.....	جغرافیای کتاب طریقت کمال
۲۷	.....	شیوه نگارش ترجمه حاضر
۲۹	.....	مقدمه
۴۱	.....	یادداشت مترجم انگلیسی
۵۱	.....	کتابی به نام طریقت کمال
۵۱	.....	تأکید
۵۲	.....	پیش درآمد
۵۵	.....	فصل ۱
۵۹	.....	فصل ۲
۶۷	.....	فصل ۳
۷۷	.....	فصل ۴

۸۹.....	فصل ۵
۹۳.....	فصل ۶
۱۰۱.....	فصل ۷
۱۱۱.....	فصل ۸
۱۱۵.....	فصل ۹
۱۲۱.....	فصل ۱۰
۱۲۷.....	فصل ۱۱
۱۳۳.....	فصل ۱۲
۱۴۱.....	فصل ۱۳
۱۴۹.....	فصل ۱۴
۱۵۳.....	فصل ۱۵
۱۵۹.....	فصل ۱۶
۱۶۹.....	فصل ۱۷
۱۷۵.....	فصل ۱۸
۱۸۳.....	فصل ۱۹
۱۹۷.....	فصل ۲۰
۲۰۳.....	فصل ۲۰
۲۱۱.....	فصل ۲۲
۲۱۹.....	فصل ۲۳
۲۲۵.....	فصل ۲۴
۲۳۱.....	فصل ۲۵
۲۳۵.....	فصل ۲۶
۲۴۳.....	فصل ۲۷

فهرست مطالب ۹

۲۴۹.....	فصل ۲۸.....
۲۵۹.....	فصل ۲۹.....
۲۶۷.....	فصل ۳۰.....
۲۷۳.....	فصل ۳۱.....
۲۸۵.....	فصل ۳۲.....
۲۹۵.....	فصل ۳۳.....
۳۰۱.....	فصل ۳۴.....
۳۱۳.....	فصل ۳۵.....
۳۱۹.....	فصل ۳۶.....
۳۳۱.....	فصل ۳۷.....
۳۳۷.....	فصل ۳۸.....
۳۴۹.....	فصل ۳۹.....
۳۵۵.....	فصل ۴۰.....
۳۶۳.....	فصل ۴۱.....
۳۷۱.....	فصل ۴۲.....
۳۷۹.....	منابع و مآخذ.....

### مقدمه

اولیای ادیان و عارفان در بسط زندگی معنوی سهم عمده‌ای داشته‌اند. عارفان مسیحی نیز در این حوزه نقش به‌سزایی ایفا کرده‌اند. عارفانی چون آگوستین<sup>۱</sup> و اکهارت<sup>۲</sup> از شاخص‌ترین آنان هستند. در رده‌های بعدی می‌توان به عارفان بنامی چون ترزا آویلائی<sup>۳</sup> اشاره کرد که در بسط و گسترش آموزه‌های عرفانی نقش قابل توجهی داشته‌اند؛ اما حوزه فعالیت این قبیل عارفان عمدتاً به عمل عرفانی محدود می‌شود، هرچند در تفسیر آثار ترزا می‌توان رگه‌هایی از عرفان نظری را نیز جست.

اکنون پس از گذشت بیش از پنج قرن از مرگ ترزا، هنوز آثارش مورد توجه و اقبال صاحب‌نظران عرفان و اهل تأمل واقع شده است و افراد زیادی به ترجمه و شرح آن‌ها اهتمام ورزیده‌اند. ویلیام جیمز<sup>۴</sup> فیلسوف و روانشناس و نیز استیس<sup>۵</sup> فیلسوف و دین‌پژوه اواخر قرن بیستم از این دسته‌اند که هر کدام به ترتیب در کتاب‌های «اصناف تجربه

---

1. Saint Augustine.

2. Meister Eckhart.

3. Teresa of Avila.

4. William James.

5. Walter Trance Stace.

دینی<sup>۱</sup> و «عرفان و فلسفه» صفحاتی را به ترزا و تجارب عرفانی او اختصاص داده‌اند.

### زندگی نامه

قدیس ترزا آویلاینی که نام اصلی اش «ترزا دِ تِپِدا ای آهومِدا»<sup>۲</sup> است، متولد ۲۸ مارس ۱۵۱۵م در آویلای اسپانیا و متوفی به ۱۴ اکتبر ۱۵۸۲ در آلبادا دِ ترمِس<sup>۳</sup> است. او در سال ۱۶۲۲م تقدیس یافت<sup>۴</sup> و مسیحیان در ۱۵ اکتبر هر سال یاد او را گرامی می‌دارند. در سال ۱۹۷۰م پاپ ژان پل ششم او را جزو صاحب مسلکان مسیحی به‌شمار آورد. او نخستین زنی بود که به این مقام رسید؛ بنابراین، می‌توان گفت او از راهبان معروف اسپانیایی و یکی از بزرگ‌ترین عرفا و زنان مذهبی کلیسای کاتولیک و نویسنده متون کلاسیک معنوی و مؤسس «اصلاح کرملی»<sup>۵</sup> است که در تاریخ این طریقه، راه و روش ریاضت و مراقبت جدیدی را پدید آورد و پا برهنه بودن را جزو اعمالی قرار داد که راهبان باید بدان تن می‌دادند.

قدیس ترزا در کتاب «زندگی‌نامه خودنوشت» می‌نویسد که این طریقه ریاضتی را در اواخر عمرش تکمیل کرده است. او در این کتاب به بیان

1. The Varieties Of Religious Experience.

2. Teresa de Cepeda y Ahumada.

3. Albada de Tormes.

۴. در مسیحیت کاتولیک از قدیم رسم بر این بوده است، افرادی که در دوران حیاتشان از نظر کلیسا در رابطه با قدیس بودن یا نبودن وضع مرددی داشتند یا در زمان زندگیشان قدیس بودنشان محرز نشده بود، پس از مدت زمان طولانی، کلیسا او را قدیس معرفی می‌کند. ترزا نیز در تاریخ یاد شده مقدس شمرده شد.

5. Carmelite Reform.

فضایل والدین و بستگانش پرداخته و از آنان با عنوان افرادی متدین، با فضیلت و خدا ترس یاد می‌کند. او اصرار دارد بگوید اگر فردی شرور نبود، می‌توانست از این خانواده استفاده بهتری برای تکامل روحی خود بکند؛ اما این شرارت‌ها مانع دست‌یابی او به چنین موقعیتی شد. ترزا از چند مورد به عنوان شرارت نام برده است: داشتن رابطه با پسر عموها و دل سپردن به یکی از بازدیدکنندگان دیر، هر چند برای مدتی کوتاه<sup>۱</sup>.

به هر حال، ترزا در زندگی خود علاقه خاصی به داستان‌های قهرمانان و شهیدان نشان می‌داد و سرانجام نیز شیفته آنان شد. گفته شده است که او در سن هفت سالگی به همراه برادرش رُدِریگو<sup>۲</sup> تصمیم گرفتند به آفریقا فرار کنند تا در آن‌جا به دست مراکشی‌ها کشته شوند؛ اما خیلی دور نشده بودند که یکی از عموهایشان آنان را به نزد مادر پریشان و نگران‌شان برگرداند؛ اما از آن‌جا ترزا و برادرش دست بردار نبودند، تصمیم گرفتند خلوت‌نشینی را تجربه کنند و به همین خاطر اتاق‌هایی از سنگ ساختند تا در آن‌ها در خلوت زندگی کنند<sup>۳</sup>.

مرگ مادر تزار که در چهارده سالگی او اتفاق افتاد نیز تأثیر بسزایی در شکل‌گیری شخصیت او داشت: «به محض این‌که دانستم با از دادن او (مادر) متحمل چه خسران عظیمی شده‌ام، بسیار رنجور شدم و به دنبال تصویری از بانوی مقدس بودم و با اشک و زاری از او التماس کردم تا

1. Plassmann, Thomas, *Lives of Saints*, New York, John J. Crawley & Co. Inc, 1954: p 361.

2. Rodrigo.

3. Ibid, p 358.

افتخار بدهد و مادر من باشد (مرا به فرزندى خود بپذیرد)»<sup>۱</sup>. به این ترتیب مشاهده می‌شود که ترزا از همان اوان کودکی به حیات عرفانی علاقه‌مند بوده است.

پس از مدتی ترزا علاقه‌مند شد بدون از دست دادن وقت، به یکی از دیرهای محل زندگی خود برود و درنگ در این کار را جایز ندانست؛ چراکه احساس می‌کرد درنگ، باعث ضعیف شدن اراده او خواهد شد، پس پنهانی به «صومعه تجسم مسیح<sup>۲</sup>» وابسته به طریقه کرملیان<sup>۳</sup> در خارج از شهر آویلا رفت و درخواست پذیرش کرد. از آن‌جا که ترزا به پدرش سخت علاقه‌مند بود، دل‌کنند از او بسیار جانکاه می‌نمود؛ اما عشقی که به خدا داشت، تمام عشق‌های زمینی او را تحت‌الشعاع قرار داده بود: «به یاد می‌آورم که... هنگام ترک خانه پدری‌ام آن‌چنان حس تند و شدیدی داشتم که بسان رنج و عذاب لحظه مرگ بود. گویی تمام استخوان‌هایم تا حد تکه‌تکه پاره شدن، کشیده می‌شدند... هرگز تا به حال چنین حسی نسبت به خدا در وجودم احساس نکرده بودم؛ عشقی که تمام محبت، عشق و علاقه من نسبت به پدرم و همه دوستانم را تحت‌الشعاع قرار داده بود»<sup>۴</sup>.

1. Ibid, p 359.

2. The Convent of the Incarnation.

۳. کرملیان، سلسله‌ای از راهبان درویش مسلک بودند که خود را به معتکفان ساکن قلعه کرم‌ل در فلسطین قرن ششم متسبب می‌کردند. این سلسله در سال ۱۱۵۶م با تأسیس دیری در آن مکان، موجودیت خود را اعلام کرد. راهبان این سلسله در هلند و اسپانیا سکنی گزیده بودند و بعدها به سه گروه تقسیم شدند.

plassmann Thomas, The lives of saints , new York , 1954: P 360.

4. Lives of Saints, p 360.



ترزا بعدها آثار ارزشمند دیگری نوشت که توانست در فرهنگ و ادبیات اسپانیا اثر گذار باشد و در حوزه عرفان جزو صاحب‌نظران کلاسیک به‌شمار آید. اهمیت او در فرهنگ اسپانیا از چند جهت بوده است:

الف) او با وجود آن که به لحاظ نظری، مباحث جدیدی در عرفان نظری مطرح نکرد؛ اما در حوزه عرفان عملی تجربه‌هایی به‌دست آورد که در خور اهمیت بوده است، البته این سخن بدان معنا نیست که او هیچ‌وقت سخنی درباره مباحث نظری عرفانی نگفت. با نگاه به آثارش به ویژه «کاخ درون»، می‌توان پرداختن او را به معرفت‌شناسی عرفان در ضمن بیان حالت‌های معنوی - عرفانی خود و عارفان تجربه‌گرای عرفانی دید. این تجربه‌ها به قدری اهمیت داشته است که برخی از صاحب‌نظران با الهام از آن‌ها به دیدگاه‌های جدیدی در عرفان نظری دست یافته‌اند.

ب) ترزا عرفان عملی را در حوزه دین‌داری پُررنگ‌تر کرد، به گونه‌ای که می‌توان گفت او دین را عرفانی و عرفان را دینی کرد.

درباره مرگ ترزا باید به این نکته اشاره کنیم که از میان‌سالی به بیماری خاصی مبتلا بود و همیشه از آن رنج می‌برد و چهار سال پس از ورود به دیر کرمل (۱۵۳۹ م.) بیماری او شدیدتر شد<sup>۱</sup>، البته این بیماری سبب نشد که از ادامه کارهای دیر و رهبری جنبش اصلاح، دست بردارد و با وجود بیماری و سن بالا (۶۵ سال)، حتی از تأسیس دیر نیز چشم‌پوشی نکرد. دهه آخر عمر ترزا با شدت بیماری او همراه بود؛ اما در دو سال از این دو دهه، حال او رو به بهبودی گذاشت و توانست کارهای زیادی انجام دهد.

---

1. Smart, Ninian, Teresa of Avila, Encyclopedia of Philosophy, Vol. 8, london, 1972: p. 94.

ترزا در سه سال آخر عمرش از بیماری یاد شده به شدت رنج می‌برد و سرانجام در ۶۷ سالگی به سرطان رحم نیز مبتلا شد و در ۱۴ اکتبر ۱۵۸۲ م. دار فانی را وداع گفت.

می‌گویند پیش از مرگش، هنگامی که از او پرسیدند مایل است کجا دفن شود؟ با سادگی تمام پاسخ داد: «گر مایل باشم در همین جا (اشاره به دیر)، آیا آن‌ها (مخالفتان) از قرار دادن قطعه زمینی در اختیار من (به عنوان قبر) دریغ خواهند کرد؟» آن‌گاه برخاست و آیین مذهبی به جای آورد و گفت: «خدای من! اکنون وقت آن است که به دیدار هم‌نایب شویم». سپس در آغوش یکی از همراهانش چشم از جهان فرو بست.

### آرا و اندیشه‌های عرفانی

ترزا در خانواده‌ای معنوی و دین‌دار و خدا محور به دنیا آمد و در چنین فضایی تربیت یافت و این تربیت در چگونگی شکل‌گیری شخصیت او تأثیر بسزایی گذاشت؛ بنابراین، باید ریشه‌های معنویت‌گرایی او را در همان تربیت اولیه جست‌وجو کرد؛ اما از آن‌جا که او در دو سنت معنوی زندگی می‌کرد، پس نظریات سلوک عرفانی او نیز متأثر از دو سنت یهودی و مسیحی بوده است؛ زیرا ترزا در ابتدا یهودی بود و سپس به مسیحیت گرایش پیدا کرد، پس طبیعی بود که در عرفان خویش، سخت تحت تأثیر معنویت و روش یسوعیان<sup>۲</sup> و

1. King, Ursula, Christian Mystics, Routledge, New York and London 2004: p. 149.

۲. یسوعیان (Jesuit)، عضو فرقه مذهبی به نام انجمن عیسی که به‌وسیله ایگناتیوس لویولایی تأسیس شد، بودند. منظور از یسوع، معلمان مسیح است. یسوعی‌ها خود را سربازان سپاه دیانت می‌خواندند. ایگناتیوس لویولایی خود سرباز اسپانیایی بود که در سده ۱۶ میلادی می‌زیست.